

خبر

تاکید سخنگوی دولت بر رفع مشکلات زلزله‌زدگان کرمانشاه

● **ایرنا:** محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه، روز پنجشنبه و در حاشیه بازدید از روستاهای زلزله‌زده سرپل ذهاب و گیلان‌غرب، گفت: از تمام ظرفیت‌ها و امکانات تا عادی‌شدن شرایط زلزله‌زدگان استان کرمانشاه استفاده خواهد شد و دولت نیز تا آخرین لحظه و بازگشت آرامش، در کنار زلزله‌زدگان خواهد بود. اقدام‌هایی برای اسکان موقت زلزله‌زدگان و واگذاری کانکس انجام شده، ولی کافی نیست و باید در کنار کانکس‌ها، نصب سرویس‌های بهداشتی و حمام نیز تقویت شود.

ادامه از صفحه اول

کارگروه غربی درباره برجام

وی تأکید کرد: «مهم است که ما این کار را به موازات برجام و بدون لطمه‌زدن به اساس برجام انجام دهیم و مطمئنم که می‌توانیم چنین کنیم». لودریان، وزیر خارجه فرانسه، نیز قبل از ملاقات با تیلرسون گفت که فرانسه آماده مذاکره درباره توافق در مورد برنامه موشکی ایران و «مقابله با نقض قطع‌نامه مربوط توسط ایران» است. وی همچنین گفت نگران فعالیت‌های ثبات‌زادی ایران در لبنان، یمن و سوریه است. وی بعد از ملاقات با تیلرسون در مقایسه با جانشین حمایت قاطع‌تری از برجام کرد. وی گفت: «یک اصل اساسی وجود دارد که ما به آن بسیار مقید هستیم و آن حفظ برجام است مادام که رعایت می‌شود. مادام که برجام توسط ایران رعایت می‌شود، امضاکنندگان آن باید به تعهدشان پایبند بمانند». تیلرسون از سفر یک هیئت آمریکایی به اروپا در هفته آینده برای فعال‌شدن کارگروه سخن گفت و هدف آن توافق در مورد یک «بسته» دانست. تاکنون از برخی مقامات وزارت خارجه آمریکا، مانند براین هوک، مسئول برنامه‌ریزی سیاسی در تیم تیلرسون، اندرو پیک معاون دستیار وزیر در امور ایران و عراق و دوکارشناس دیگر از تیم هوک یعنی متیو مک‌اینس و دیوید تسلر به عنوان اعضای هیئت آمریکایی اسم برده شده است. ظاهرا آنها هیچ یک دیپلمات حرفه‌ای نیستند. هوک قبل از زمان جورج بوش پسر در کاخ سفید کار می‌کرده، یک، یک افسر اطلاعاتی سابق ارتش بوده و از عناصر کاملاً وفادار به ترامپ است. تسلر سابقه کار در اوفاک داشته و مک‌اینس هم قبلا در مؤسسه مطالعاتی شدیدا راست‌گرای آمریکن‌انترپرایز کار می‌کرده است. تیلرسون در مورد طول زمان مذاکرات نیز گفت: «اگرچه ترامپ برای ما ضرب‌الاجل تعیین کرده، اما ما نمی‌توانیم برای کشورهای دیگر ضرب‌الاجل تعیین کنیم». این صحبت تیلرسون که با پیانیه ترامپ منافات دارد، می‌تواند زمینه‌چینی برای کنش‌دادن موضوع و احیاناً مجاب‌کردن ترامپ برای تعلیق مجدد تحریم‌ها در ۱۲ماه می‌باشد. آنچه در اصرار ترامپ مبنی بر «رفع کارگذاشتن سه طرف دیگر برجام یعنی ایران، روسیه و چین از این مذاکرات است، مقامات آمریکایی برآن هستند که شرکت سایر طرف‌های برجام در مذاکرات لازم نیست، چون این روند خارج از برجام است و می‌تواند به تحریم‌هایی منجر شود که ربطی به برجام ندارد. این نظر البته با اصرار ترامپ منتهی بر «رفع نواقص» برجام در تعارض است. نکته مهم دیگر غیبت خانم موگرینی در این روند است، وی که تاکنون آشکارت و قاطع‌تر در حمایت از برجام سخن گفته، ممکن است به اصرار آمریکا در این روند جایی نداشته باشد. این می‌تواند به معنی حذف اتحادیه اروپا باشد. البته باید در نظر داشت که در صورت ادامه اصرار ترامپ بر مواضعش، ممکن است اتحادیه اروپا به هر حال نتواند به اجماع در مورد حفظ برجام به شکل کنونی برسد، چراکه شماری از کشورهای کوچک‌تر اروپا به‌ویژه در شرق اروپا بسیار با واشنگتن همسو‌ند و کشورهای مثل فرانسه، آلمان و انگلیس، البته ایران می‌تواند از دیگر کشورهای بزرگ اروپا مانند اسپانیا، ایتالیا، یونان و نیز برخی کشورهای اسکاندیناوی مثل سوئد که مواضع متعادل‌تری دارند، انتظار ایفای نقش داشته باشد. اگرچه تأکید سه کشور اروپایی بر برنامه موشکی می‌تواند به زعم خودشان تاکتیکی برای راضی‌کردن ترامپ و نجات برجام باشد، اما باید توجه داشته باشند که برنامه موشکی جزئی از برنامه دفاعی ایران است که در منطقه پرآشوب خاورمیانه و در شرایط فروش گسترده سلاح به دیگر کشورهای منطقه، ایران چاره‌ای جز ادامه آن ندارد. با توجه به هزینه سنگینی که حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ برای اروپا داشته‌است، ایران به‌هیچ‌وجه نباید در شکست برجام و عواقب وخیم آن سهیم شود و عملاً ترامپ را از مسئولیت مبرا کند.

نمایندگان زن، متقاضی اوین

اینکه تبعیض در بسیاری موارد تداوم و این بار در سطوح حذف نمایندگان زن ادامه یافته است. نکته درخو اهمیت اینکه تلاش و پیگیری کارخانه زنان ریخته‌شدن این‌همه خون شده، بخواد هنوز هم در آن جایگاه به کار خودش ادامه دهد، چیزی است که کسی نباید انتظار آن را داشته باشد و البته به نفع کسی هم نیست.
این موضوع طولانی است و اجازه بدهید در جلسات بعدی درباره همین مسئله صحبت کنیم.
❖مشکریم!

سیاست

انقلاب اجتناب‌پذیر بود یا نه

- عبدی؛ اپوزیسیون در سوق دادن حکومت‌ها به انقلاب یا اصلاحات نقش مهمی دارد**



اولین نشست از سلسله نشست‌های کمیته آموزش حزب «اتحاد ملت» درباره انقلاب، پنجشنبه پنج بهمن با سخنرانی عباس عبدی و بهزاد نبوی در دفتر مرکزی این حزب برگزار شد. محور سخنرانی‌ها این پرسش بود که «آیا انقلاب ایران اجتناب‌پذیر بود؟». عبدی بر این باور است که این سؤال، جواب ندارد؛ چراکه «پدیده‌های اجتماعی منفرد و تکرارناپذیر هستند». او با نگاهی به سیر حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در رژیم شاه، از شکافی رخ زد که بین حوزه سیاسی و حوزه‌های دیگر به وجود آمده بود. عبدی در ادامه از وضعیتی سخن گفت که کار حکومت‌ها به نقطه بحرانی اروپایی و انقلاب یا اصلاحات می‌رسد و تأکید کرد: «بدترین زمان برای چنین حکومتی، وقتی است که می‌خواهد تغییر سیاست بدهد. بدتر از آن، وقتی است که تغییر سیاست ندهد». او نقش نیروهای اپوزیسیون را در حرکت به سمت اصلاحات یا فروپاشی نیز تعیین‌کننده دانست. بهزاد نبوی، سخنران بعدی این نشست، با اشاره به اینکه دوران شاه برای برخی از جوانان که آن زمان را ندیده‌اند جاذبه پیدا کرده است، سعی کرد تصویری از اختناق زمان شاه ترسیم کند. او شاه را یکی از عوامل اصلی انقلاب دانست و به‌عنوان چریکی که در دوران شاه برای مبارزه دست به اسلحه برده بود، گفت: «احساس می‌کردیم جایگاهی برای فعالیت‌های سیاسی و اصلاح طلبانه وجود ندارد؛ وگرنه همه ما، از مرحوم حنیف‌نژاد که مجاهدین خلق را تشکیل داد، تا مجید و مسعود احمدزاده که چریک‌های فدایی را تشکیل دادند و بقیه که اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی بودند، دنبال مبارزه اصلاح طلبانه بودیم. وقتی رژیم اصلاحات را به بن‌بست رساند، همه دنبال حرکت چریکی رفتند». در ادامه خلاصه‌ای از سخنرانی این دو چهره اصلاح طلب را می‌خوانید.

رسید. تومرسی که در کل یک دهه مجموعاً ۲۵ درصد بود، یک‌باره در سال ۵۵ به ۲۵ درصد رسید.

برای آن رخ دهد، اصلاحات یا انقلاب؟ درباره این مسئله باید به دو نکته توجه کنید. یکی اینکه انقلاب قطعی‌های برق در شهرها هم اعصاب همه را خرد کرده بود.

[مسئله] از اینجا شروع شد و تمام آن کینه‌ها و نفرت‌ها که تخم آن در گذشته کاشته شده بود، یک‌باره امکان سر بلندکردن، پیدا کرد؛ بنابراین از سال ۵۵ و تغییر رئیس‌جمهور آمریکا در ۵۶ کل سیستم روحیه‌اش را باخت. اتفاقی که برای رژیم شاه افتاد و بسیار درس‌آموز بود و متأسفانه به آن توجه نمی‌شد، این بود که شاه در مقطعی از یکی از نزدیکان خود سؤال می‌کند که اینهایی که در پشت‌با‌هم‌ها هستند، علیه ما هستند؟ او جواب داد که اعلیحضرت خانم من هم جزء اینهاست. یعنی [شاه] اصلاً متوجه این نبود که خود سیستم هم از او دفاع نمی‌کند. دو دلیل عمده وجود داشت که کسی از شاه دفاع نکرد. یک اینکه شاه تمام اختیارات را از همه گرفته بود و قدرقدرت بود. نگاهش به اطرافیان‌ش این‌طور بود که شما گاو هستید. نه‌فقط اطرافیان که در یک دوره اروپاییان را مسخره می‌کرد. پاتیل بزرگی از نفت را مصرف کرد و عقل خود را در اداره کشور از دست داد. اولین چیزی که متوجه نشد، این بود که دیگر حتی نزدیکی‌اش هم از او دفاع نکردند؛ چون او برای کسی جایی نگذاشته بود.

دلیل دیگری هم وجود داشت که خیلی مهم بود. شاه با اتکا به درآمد‌های نفتی نهادهای مستقل کشور را یا خرید یا از بین برد، از سرمایه‌دارها تا روشن‌فکر‌ها. تنها نهادی را که نتوانست این کار را انجام دهد، نهاد دین بود. علت آن هم این‌ بود که اینها استقلال داشتند. این چیزی که آقایان در قم خیلی متوجه

نی نیستند که هر روز دنبال بودجه بیشتر هستند، همین است. اگر می‌خواهید نهاد دین ضعیف شود، بودجه آنها را سه برابر کنید. معیاری که در علمای قم وجود دارد، برای اینکه چه عالمی قوی‌تر است، می‌داند چیست؟ میزان شهره‌ای است که به طلبه‌ها می‌دهد. فکر می‌کنید بالاترین شهریه را کدام مرجع می‌دهد؟ (خند و گمان شنونده‌ها). بالاترین شهریه را آقای سیستانی می‌دهد؛ با اینکه در عراق است و جمعیت آن کم‌کتر است. من و شما که می‌خواهیم خمس و سهم بدهیم، به کسی که وابستگی دولتی دارد، نمی‌دهیم. نهاد دین به خاطر استقلال بود که قبل از انقلاب می‌توانست این‌قدر کار کند.

انقلاب یا اصلاح به اپوزیسیون هم بستگی دارد

آیا انقلاب یا اساساً هر اتفاقی گریزناپذیر است یا نه؟ از آن سؤال جواب ندار. به این علت که پدیده‌های اجتماعی منفرد و تکرارناپذیر هستند. این‌طوری درباره تاریخ فکر نکنید که اگر اتفاقی نمی‌افتاد، بعد از آن فرایندی رخ می‌داد که خیلی عالی بود. هر جوری ممکن بود اتفاق بیفتد و ما نمی‌دانیم چه می‌شد؛ اما سؤالی که مهم‌تر است و امروز هم با آن درگیر هستیم، این است که رژیم سیاسی‌ای که اجازه وجود انعطاف‌پذیری را نمی‌دهد و به‌مرور زمان هم

دچار بی‌تعادلی می‌شود، چه اتفاقی ممکن است برای آن رخ دهد. اصلاحات یا انقلاب؟ درباره این مسئله باید به دو نکته توجه کنید. یکی اینکه انقلاب یک‌بار به رژیم بستگی ندارد، [بلکه] به اپوزیسیون هم بستگی دارد. من الان به‌شدت مخالف جنبش چریکی زمان شاه هستم؛ اما واقعاً می‌گویم که بهترین بچه‌های کشور… بودند. جالب است بگویم که آقای حسن‌زاده، از رهبران چریک‌ها، عاشق خانمی می‌شود؛ اما این‌قدر به راه خودش عقیده داشت که رابطه خود را قطع می‌کند و با یک حسرت از اِین [خاطره] یاد می‌کند. اینها هم پاسود بودند، هم انسان‌های بسیار خوبی بودند و هم علاقه‌مند به دیگران بودند و همیشه به دیگران کمک می‌کردند. شرایطی وجود دارد که ارزش‌ها و رفتارهایی را ایجاد می‌کند که به‌راحتی نمی‌توان از الان به آن نگاه کرد و آنها را محکوم کرد؛ اما منی که امروز اینجا هستم، دیگر حاضر نیستم تحت تأثیر چنین چیزی قرار بگیرم که این انسان خیلی خوبی است؛ اما می‌خواهد چنین مسیری را برود؛ چراکه اینجا حجتی برای ما به وجود آمده که دیگر نمی‌توانیم از هر راهی که مطرح می‌شود، دفاع کنیم.

انقلاب فقط یک فرایند مربوط به حکومت نیست؛ بلکه اپوزیسیون هم خیلی اهمیت دارد. اپوزیسیون آن موقع به دلایل

اما سؤالی که هم قبل‌ا مطرح بوده و هم الان، این است که چه می‌شود که در یک جامعه انقلاب یا فروپاشی رخ می‌دهد؟ ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود (به‌طوری‌که) این میز دیگر نمی‌تواند بر این پایه قرار بگیرد، [کار] به جایی می‌رسد که با یک اتفاق حکومت و مخالف‌ها متوجه می‌شوند که یک پایه

این جامعه می‌لنگد و دیگر نمی‌تواند [به این شکل] ادامه دهد. حالا سؤال این است که از اینجا به بعد به دنبال انقلاب بروند یا اصلاحات؟ این خیلی سؤال پیچیده‌ای است. بدترین زمان برای چنین حکومتی وقتی است که می‌خواهد تغییر سیاست بدهد. بدتر از آن وقتی است که تغییر سیاست ندهد، یعنی این حکومت‌ها در یک شرایط بد و بدتر قرار می‌گیرند و نه شرایط خوب و خوب‌تر. این «بد و بدتر» ایستا هم نیست، امور اجتماعی پویایی دارد؛ یعنی شما ممکن است فکر کنید با هزینه پنج به منافع ۱۰ می‌رسید، اما وقتی وارد آن می‌شوید، می‌بینید هزینه شما سر به فلک می‌کشد، به همین دلیل است که بسیاری از سیاست‌مدارانی که این مسیر را طی می‌کنند، در این نقطه حساس تغییر سیاست نمی‌دهند و چون تغییر سیاست نمی‌دهند، از اینجا به بعد فرایند انقلاب و فروپاشی شروع می‌شود. چراکه همین‌طور به جلو می‌روند و هرقدر جلوتر می‌روند هزینه‌های تغییر سیاست و خطراتش بیشتر می‌شود. به‌همین دلیل است که یک‌دفعه می‌بینید که مسیر غیرقابل‌بازگشت می‌شود. اگر در این نقطه اپوزیسیون متحد باشد، انقلاب می‌شود و اگر اپوزیسیون متحد نباشد، مانند کشورهای منطقه فروپاشی رخ خواهد داد. مهم‌ترین مسئله این است

که نیروهای اپوزیسیون راه اصلاحات را برای رژیم باز بگذارند و گزینه‌هایی برای آن عرضه کنند تا اصلاحات به‌صرفه باشد.

نبوی:

در دوره استبداد پهلوی حق انتخابات آزاد نداشتیم

سخنران بعدی مراسم، بهزاد نبوی بود. او گفت: انقلاب اسلامی، انقلاب ضداستبدادی و ضداستعماری بود، برادر ما آقای عبدی جامعه‌شناسانه در این مورد صحبت کردند، من می‌خواهم سیاسی و عمیقانه‌تر در این مورد صحبت کنم. بعضاً با جوان‌ها که صحبت می‌کنم می‌بینم برای خیلی از آنها که زمان شاه نبودند، آن زمان یک جاذبه پیدا کرده است بدون اینکه اطلاعی از آن دوره داشته باشند. ما سیاه‌ترین دوران استبداد را در دوره رضاشاه و بعد از کودتای ۳۲ با بهتر بگویم بعد از ۱۵ خرداد ۴۲ در زمان محمدرضا پهلوی داشتیم. برای اینکه عمیق قافچه را درک کنید؛ در طول دوره رضاشاه یا محمدرضاشاه ما یک مورد (حتی در مورد یک نفر) حق انتخابات آزاد نداشتیم. آن رژیم حق انتخابات آزاد نداد. جز مجلس و بعدتر سنا هیچ انتخاباتی نداشتیم و در تمام این ادوار (اشاره به تاریخی که بالاتر اشاره شده است) هیچ نماینده مستقلی نداشتیم که وارد مجلس شود.

در انتخابات بیستمین دوره مجلس شورای ملی در سال ۱۳۳۹ (بنا بر سیاست‌های دوره کندی) یک نفر اجازه پیدا کرد که از کاشان با یک انتخاب آزاد وارد مجلس شود، مرحوم اللهیار صالح سفیر ایران در آمریکا و نماینده ایران در سازمان ملل در دوره نخست‌وزیری مرحوم مصدق. آن دوره مجلس هم سه ماه بیشتر دوام نیاورد و منحل شد. مرحوم اللهیار صالح موفق شد دو یا سه سخنرانی قبل از دستور در مجلس انجام دهد که البته این سخنرانی هم خیلی مهم بود. می‌خواهم شما بدانید چه فضایی بر کشور حاکم بود. حالا ما کلی به شورایی نگهبان اعتراض می‌کنیم که چرا من را رد صلاحیت می‌کنند. اما در آن دوران اصلاً کار به اینجاها نمی‌رسید. معلوم بود چه کسی باید ثبت‌نام کند و چه کسی باید وارد مجلس شود.

علاوه بر اینکه وضع انتخابات این‌طور بود؛ در سال ۵۵ چهار سال آخر شاه اعلام کرد در کشور هیچ حزبی به جز حزب رستاخیز نباید باشد. گفت هرکس که نمی‌خواهد عضو این حزب شود، از کشور خارج شود. از ایران رفتن هم که ساده نبود، مثلاً من از سال ۴۳ که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم تا سال ۵۷ ممنوع‌الخروج بودم. این‌طور نبود که هرکس بتواند از کشور خارج شود و شاه این حرف را از این بابت می‌گفت که «چیزی «خفه». شما بایاتان نمی‌آید که بپیچاره معلم‌ها، پزشک‌ها، پرستار‌ها و همه را به‌خط می‌کردند تا جاوید شاه بگویند و عضو حزب رستاخیز شوند. می‌خواهم بگویم شرایط حکومت این‌طور بود.

آقای عبدی به خوبی توضیح داد که شرایطی در کشور به‌وجود نیامد که امکان اصلاحات باشد. زمان رضاشاه که هیچ، در دوره محمدرضاشاه سه دوره آزادی سیاسی داشتیم. یکی از سال ۱۳۲۰ بود تا شهریو ۳۲ که رژیم هنوز جایگاه خودش را بعد از رفتن رضاشاه پیدا نکرده بود و امکان استبداد نبود و در آخر آن دوره با نهضت ملی‌شدن صنعت نفت روبه‌رو می‌شویم که با کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ تمام می‌شود. [دوره دوم] سال ۳۹ تا ۴۲ دوره کندی بود. فشار کندی به رژیم‌های جهان سوم برای آزادکردن فضا و همین که از شر فشارهای کندی رها شدند و کندی ترور شد، دوباره استبداد احکام شد. در نهایت بعد دوره کارتر بود که به انقلاب منتهی شد. هر چهار قطب بزرگ‌تر از رژیم بود و نگذاشت سرنوشت نهضت ملی و سال‌های ۳۹ تا ۴۲ تکرار شود.

بن‌بست اصلاح طلبی، شروع مبارزه مسلحانه

جنبش ملی‌شدن صنعت نفت و سال ۳۹ تا ۴۲ و حتی قیام ۱۵ خرداد که مسلحانه نبود و تنها راه‌پیمایی بود، به خون و خون‌ریزی منتهی شد، همه اصلاحی بودند و شکست خوردند. بنابراین مردم از مبارزه اصلاحی ناامید شدند. رژیم کاری کرد که مردم به دنبال حرکت اصلاحی نروند و فکر کنند که تنها راه، انقلاب است. ما که جوان بودیم از سال ۴۰ به ۴۳ و بعد وارد خط مبارزه مسلحانه شدیم. بسیاری از گروه‌های مسلحانه بعد از ۴۷ تشکیل شدند. چراکه احساس می‌کردیم جایگاهی برای فعالیت‌های سیاسی و اصلاح‌طلبانه وجود ندارد. وگرنه همه ما، از مرحوم حنیف‌نژاد که مجاهدین خلق را تشکیل داد و مجید و مسعود احمدزاده که چریک‌های فدایی را تشکیل دادند تا ما و بقیه، همه اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی بودند و دنبال مبارزه اصلاح طلبانه. وقتی رژیم اصلاحات را به بن‌بست رساند، همه به دنبال حرکت چریکی رفتند.

امکان اصلاح برای مردم ما به‌وجود نیامد. مرحوم بازرگان جمله‌ای می‌گفت که [به این‌موقع‌ها خیلی هم به آن اعتراض می‌کردیم؛ می‌گفت انقلاب ایران دو رهبر داشت؛ یکی امام، یکی شاه. منظورش همین بود که شاه با اقدام‌های خودش کاری کرد که در کشور انقلاب شود. انقلاب یک امر داوطلبانه نیست، انقلاب رخ می‌دهد. به همین دلیل است که حرف ما همیشه از دوره اصلاحات به این طرف این است که کاری نکنید که مثلاً جواز‌ات اخیر به شکل گسترده و ریشه‌دار در کشور رخ دهد.

ادامه از صفحه ۶

کردها در منگنه ترکیه و روسیه

❖ **آیا توافق بین روسیه و ترکیه در این مورد انجام شده و روسیه چراغ سبزی به ترکیه نشان داده است؟**

ما بی‌شک با روسیه دیالوگ نزدیکی داریم و در این موضوع هم با آنها تماس داشتیم و تماس‌های ما هنوز هم ادامه دارد. اما تأکید می‌کنم برای تأمین منافع ملی خودمان با اذن و اجازه هیچ کشور دیگری نیاز نداریم. ما در میان خود ضرب‌المثلی داریم «آتش، آتجانی را که بیفتد می‌سوزاند»، بعضی از کشورهایی که بیرون میدان هستند، ممکن است توصیه‌هایی به ما داشته باشند ولی آن کسی که درگیر این مسئله است ما هستیم. کشوری که بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه دارد، ترکیه است.

❖ **منظور من اجازه گرفتن نیست؛ آیا قبل از شروع عملیات به روسیه اطلاع داده شد؟**

همان‌طور که گفت‌م ما با روسیه تماس‌های نزدیکی داریم و دراین‌باره هم تماس‌هایی گرفته شد؛ اما سوریه کشور همسایه روسیه نیست یا تروریست‌ها از سوریه به روسیه نمی‌روند. طبیعتاً روسیه درحال‌حاضر نیروی نظامی در سوریه دارد و نفوذی هم در آنجا دارد. ما همراه ایران و روسیه بیش از یک سال است روند همکاری را شروع کرده‌ایم و گام‌های بلندی را در این چارچوب برداشته‌ایم.

❖ **برخی از مخالفان آقای اردوغان معتقدند او می‌خواهد از این عملیات برای کسب محبوبیت برای انتخابات ۲۰۱۹ ریاست‌جمهوری استفاده کند؛ حتی توافقی میان حزب «عدالت و توسعه» و حزب «حرکت ملی» امضا شده که ادامه ائتلاف به نبرد با کردهای سوریه عفرین بند شده است؟**
من نیازی نمی‌بینم این ادعاها را جدی بگیرم. قطعاً در سیستم‌های دموکراتیک همه آزاد هستند سناریوهای مختلفی را تخیل کنند. آن چیزی که در میان اتفاق می‌افتد واضح است. انجام عملیات در کشور دیگر بازیچه نیست که به خاطر سیاست داخلی چنین هزینه سنگینی را بر خود تحمیل کند. چنین عملیاتی زمانی انجام می‌شود که کار به استخوان رسیده باشد.

❖ **ایران به‌طور رسمی با عملیات نظامی ترکیه در خاک سوریه مخالفت کرده است.**

این طبیعی است که ما چشم‌اندازهای متعددی در ارزیابی وقایع داشته باشیم، اما من این را نه درباره روزنامه شما، بلکه به رسانه‌های چند روز قبل ایران که نگاه می‌کنم می‌بینم با دید منفی به این عملیات نگاه می‌کنند و من از این مسئله تعجب می‌کنم. دوباره ادعاهایی که ترکیه هدفش تقویت داعش یا تروریست‌های تکفیری است که قبلاً هم بود. از گنجه‌ها بیرون آمده، اما اینها ادعاهای بی‌اساسی است. ما تصور می‌کنیم کشورهای مثل ایران که از تروریسم ضربه خورده‌اند، وضعیت ما را درک کنند. ما خیلی از تروریسم ضربه خورده‌ایم و هزینه‌های سنگینی بابت آن داده‌ایم. من اعلام موضع آقای قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه را دیدم و از موضع ایشان تعجب کردم.

❖ **دولت سوریه هم با این عملیات مخالف بود. با وجود این مخالفت‌ها چگونه ترکیه این عملیات را انجام داده است؟**

سوریه مجبور است چنین موضعی داشته باشد و من اصلاً تعجب نمی‌کنم. ولی انتظار داریم مقامات ایرانی با حساسیت بیشتری اعلام موضع کنند. کشورهای که با ما اختلاف جدی دارند، در اعلام موضع خود گفتند ما نگرانی ترکیه را درک می‌کنیم و بعد موضع خود را اعلام کردند، اما درباره ایران چنین نبود. ما با ایران بیش از یک سال است که در چارچوب نشست آستانه همکاری نزدیکی داریم و همین‌طور در ماه‌های اخیر روابط دوجانبه ما شتاب بیشتری گرفته و تقویت شده است. ما در این شرایط هیچ جمله‌ای در اعلام موضع آقای قاسمی نمی‌شنود که بگویند نگرانی‌های ترکیه را درباره امنیت ملی خود درک می‌کنیم و این باعث تعجب ماست.

من در این شرایط نمی‌خواهم وارد بحث نامه نمایندگان کرد مجلس شورای اسلامی که خطاب به دبیر کل سازمان ملل نوشته شده یا صحبتی یکی از نمایندگان مجلس که اتهامات یی‌سایت را به کشور و رئیس‌جمهوری ما زده است، بشوم. یا اتهامی که سردار رحیم صفوی، مشاور فرمانده کل قوا، در برنامه تلویزیونی مطرح کردند که ترکیه داعش را آموزش داده است. ما برای اینکه مقامات ایرانی نسبت به موضع خود اطلاعات بیشتری داشته باشند، به تلاش‌های خود ادامه خواهیم داد.

❖ **مانورها و تغییر مواضع ترکیه در بحران سوریه بسیار زیاد بوده است. ترکیه درباره سوریه حتی تا برخورد نظامی با روسیه پیش رفت. درحالی‌که الان باهم همکاری می‌کنند. از تأکید روی سرنگونی بشاراسد هم هر قیمتی تا پذیرش شکل دیگر سیاست و کنارگذاشتن سیاست فلبی؛ یعنی این تغییر موضع سبب همین سرگردانی شده است. من با این ارزیابی شما موافق نیستم؛ تغییر بنیادینی در رویکرد ترکیه نسبت به سوریه اتفاق نیفتاده و رویکرد ما نسبت به بشار اسد هنوز هم همان است. به‌عنوان این‌همه اتفاق و وقایع، اگر کسی که مسبب ریخته‌شدن این‌همه خون شده، بخواد هنوز هم در آن جایگاه به کار خودش ادامه دهد، چیزی است که کسی نباید انتظار آن را داشته باشد و البته به نفع کسی هم نیست.**

این موضوع طولانی است و اجازه بدهید در جلسات بعدی درباره همین مسئله صحبت کنیم.

❖ **مشکریم!**